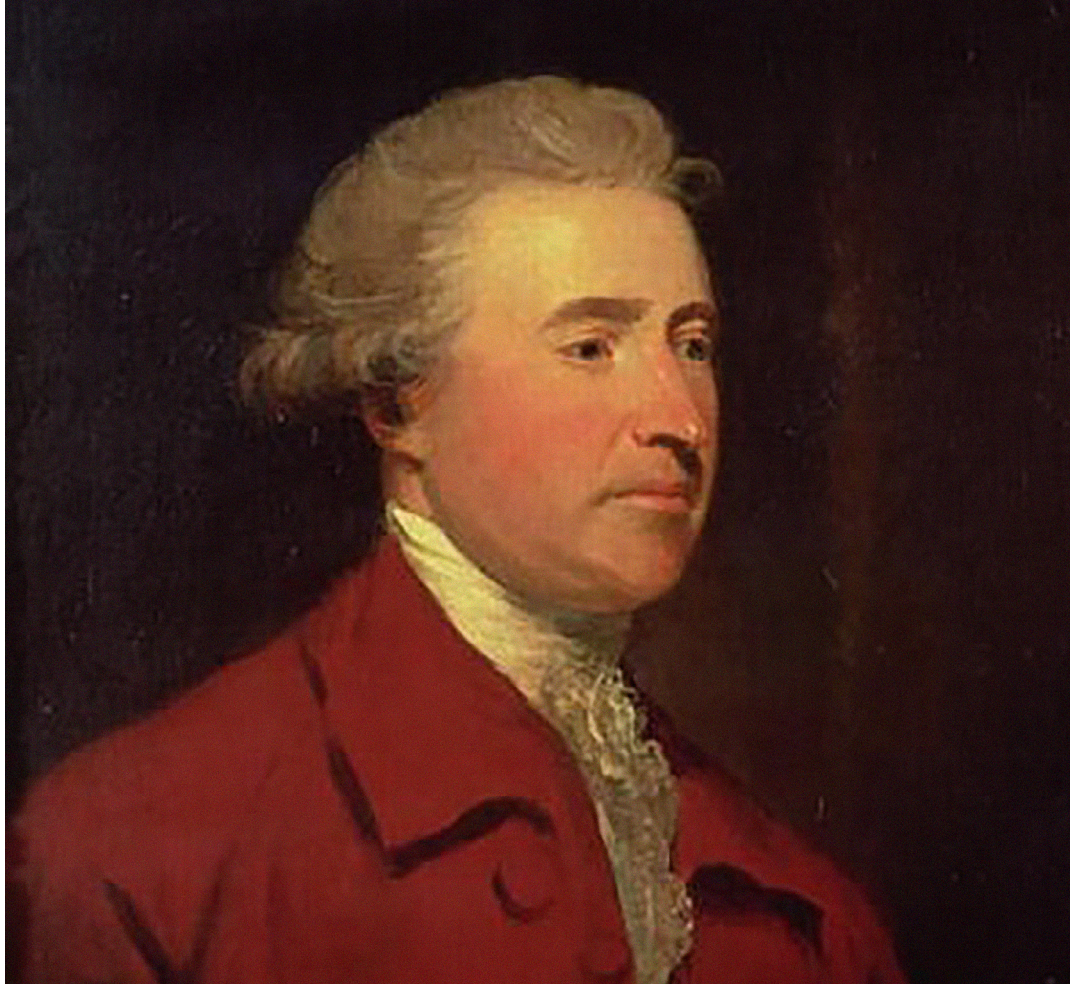




# خطاب به پارلمان درباره انتخابات

ادموند برک





---

# خطاب به پارلمان درباره انتخابات

ادموند برک



توانا  
TAVANA

آموزشکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران  
e-collaborative  
for civic education

---



آموزشکده آنالاین  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative  
*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

## خطاب به پارلمان درباره انتخابات

### Letter to the Sheriffs of Bristol

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

نویسنده: ادموند برک (Edmund Burke)

---

نقاشی روی جلد: ادموند برک اثر James Northcote

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

---

© E-Collaborative for Civic Education 2018

Albeur Atri 



## مقدمه

ادموند برک (۱۷۲۹-۱۷۹۷) فیلسوف، جدلیه‌نویس و سیاست‌مدار متولد ایرلند بود که در اواخر قرن هجدهم در بریتانیا نام‌آور شد. او در سال ۱۷۶۶ وارد پارلمان شد و در کسوت فردی خطیب و ادیب شهرتی برای خود فراهم کرد. برک برای لغو تجارت بردگان مبارزه کرد و شورمندان در دفاع از استعمارگران آمریکایی و مردم تازه استعمارشده هند استدلال می‌کرد. او از اعضای سرسخت حزب ویگ‌ها بود ولی می‌توان گفت بنیان‌گذار سنت عقلانی محافظه‌کاری مدرن بود که دفاع از دموکراسی را آغاز کرد؛ دفاعی که به همان اندازه که پیامدهایی لیبرال داشت، از اصول و مبانی محافظه‌کارانه‌ای برخوردار بود.

سخنرانی برک که هنگام انتخاب‌اش به عضویت پارلمان بریستول - شهری بندری در ساحل غربی انگلستان - ایراد شده است، به مثابه روایتی تعیین‌کننده از اصول مهم دموکراتیک ارج نهاده می‌شود. برک در این سخنرانی از چیزی دفاع می‌کند که در بادی نظر منفی با دموکراسی به چشم می‌آید؛ توانایی نماینده برای رای دادن برخلاف تمایلات موکلان‌اش. اما برک استدلال می‌کند دموکراسی نماینده‌ای همین است: نمایان فرستادگانی برای ابراز عقاید موکلان‌شان نیستند بلکه نمایندگان شخص خودشان هستند. نماینده هیچ دینی به رای‌دهنده ندارد جز داوری و قضاوت. اگر آن داوری و قضاوت معیوب باشد فرآیند دموکراتیک البته می‌تواند با تمسک به

رای دادن، او را از کرسی اش خلع کند. تا آن زمان نایب مزبور آزاد است هر چه می خواهد بگوید و انجام دهد. این نکته به مثابه یک اصل در سنت دموکراتیک گنجانده شده است البته هر چند همیشه در عمل از آن تبعیت نمی شود.



## خطاب به پارلمان درباره انتخابات

آقایان! تردیدی نیست که زیستن در نهایت یگانگی، داشتن نزدیک‌ترین مکاتبات و بی‌شائبه‌ترین ارتباطات با موکلان باید مایه خرسندی و افتخار هر نماینده‌ای باشد. خواسته‌های موکلان باید سنگین‌ترین بار بر شانه‌های او باشد، عقایدشان باید سخت نزد او محترم باشد و کار و پیشه‌شان از توجه بی‌وقفه او برخوردار باشد. وظیفه نماینده است که آرامش خود، لذات خود و رضایت خود را در برابر آرامش، لذات و رضایت آن‌ها ایثار کند و بالاتر از هر چیز، همیشه و در تمام موارد منافع آنان را بر منافع خود ترجیح دهد.

اما عقیده بی‌تعصب، داوری پخته و وجدان روشن‌اش را هرگز نباید برای شما، برای هیچ انسانی و برای هیچ گروهی از آدمیان زنده قربانی کند. نماینده، این‌ها را با رضایت و میل شما و همچنین از قانون و قانون اساسی به دست نیاورده است؛ این‌ها امانت الهی است نزد او که اگر از آن سوءاستفاده کند باید عمیقاً جوابگو باشد. نماینده شما نه فقط صناعت خود بلکه قضاوت خود را مدیون شماست و اگر آن را قربانی عقیده شما کند به جای خدمت، به شما خیانت کرده است.

همکار ارجمند من می‌گوید که اراده او باید مطیع اراده شما باشد. اگر تمام قصه

چنین باشد، ماجرای ساده‌انگارانه است. اگر بنا باشد دولت جانب یک طرف را بگیرد، آن‌گاه بی‌هیچ چون و چرای اراده شما باید اراده برتر باشد. اما کار دولت و قوه تقنین دلیل آوردن و داوری است، نه جانب‌داری از این و آن.

این چه استدلالی است که تصمیم‌گیری یک عده را مقدم بر بحث و تبادل نظر گروهی دیگر می‌داند؛ حال آن‌که افراد تصمیم‌گیرنده شاید از کسانی که در بحث شرکت می‌کنند و در جریان آن هستند، سیصد مایل دورتر باشند.

ارائه عقیده و نظر حق همه انسان‌هاست. عقیده موکلان عقیده‌ای گران‌سنگ و محترم است که هر نماینده همیشه باید آن را به جد مد نظر داشته باشد، اما دستورالعمل‌های تحکم‌آمیز و صدور وظایفی که هر عضوی ناگزیر به تبعیت کورکورانه و ضمنی از آن باشد، به آن رای بدهد و به سود آن استدلال کند، ولو منافی با روشن‌ترین عقاید و داوری‌های او و وجدانش باشد، در قوانین این آب و خاک یکسره ناشناخته است و برآمده از خطایی بنیادین درباره کل نظام و فحوای قانون اساسی ماست.

پارلمان، کنگره‌ای از سفرایی با منافع مختلف و خصمانه نیست که هر فردی به مثابه عامل و وکیل، باید منافع‌اش را در برابر دیگر عاملان و وکلا حفظ کند؛ بلکه مجمعی «مشورتی» برای یک ملت است با یک منفعت که همان منفعت کل است. نیز اهداف و تعصب‌های محلی نباید هدایت‌کننده آن باشد بلکه خیر کلی برآمده از خرد عمومی باید آن را هدایت کند. شما به راستی عضوی را برمی‌گزینید ولی وقتی او را انتخاب کردید، او عضو و نماینده بریستول نیست بلکه عضو «پارلمان» است.



